

به کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی

مسئولیت سنگین حرفه



گفتگو با

آقای دکتر جواد شکر خواه

عضو هیئت علمی گروه حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی

حسابداری

تشکر می‌کنیم از این‌که فرصت دادید درباره موضوع مهم به کارگیری استانداردهای بین‌المللی با جنابعالی که افزون بر مقام علمی، به عنوان مدیر از اطلاعات حسابداری برای تصمیم‌گیری در محیط اقتصادی استفاده درخور توجهی دارید و در واقع از ذینفعان مهم گزارشگری مالی در ایران هستید، گفتگو کنیم. اطمینان داریم که تجربه و دانش شما، مطالب و دیدگاه‌های ارزشمندی درباره این موضوع مهم در اختیار خوانندگان و دیگر ذینفعان گزارشگری مالی قرار خواهد داد.

دکتر شکر خواه

ابتدا لازم می‌دانم از مجله حسابرس که نقش فعالی در انتقال دستاوردها و اخبار حرفه و مجامع به کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS) دارد، سپاسگزاری کنم. همچنین لازم است اشاره کنم که ما در آغاز راه به کارگیری استانداردهای

استفاده از استانداردهای بین‌المللی حسابداری هستند و البته پیامدهای غیرمستقیم مفیدی نیز وجود دارد که از جمله می‌توان به توزیع و تخصیص بهینه‌تر سرمایه در سطح بین‌المللی، ثبات رویه و بهبودهای بیشتر رویه‌ها و روال‌های حسابرسی، کاهش نبود تقارن اطلاعاتی در سطح دنیا و رقابتی‌تر شدن اقتصاد جهانی - یا شاید بهتر بگوییم توزیع بیشتر رقابت در جغرافیای جهانی - اشاره کرد. بگذارید قدری موضوع را بیشتر بشکافم.

در مورد افزایش قابلیت مقایسه باید اذعان کنیم که استفاده از استانداردهای یکنواخت گزارشگری مالی در سطح دنیا، به‌سادگی می‌تواند وضعیت مالی شرکت‌های سراسر دنیا را با یکدیگر مقایسه‌پذیرتر کرده و ضمن افزایش مقایسه‌پذیری، از صرف زمان طولانی، پیچیدگی‌ها و هزینه‌های اجرایی زیاد برای تطبیق صورت‌های مالی تهیه‌شده یک شرکت براساس استانداردهای ملی کشور خودش با استانداردهای بین‌المللی، جلوگیری کند.

به‌تازگی، در یک شرکت هلدینگ، با حجم به‌نسبت متوسط، با یک مؤسسه حسابرسی خارجی برای تنظیم صورت‌های مالی براساس استانداردهای بین‌المللی مذاکره کردیم. کمترین زمان مورد درخواست آنها برای انجام کار، ۶ تا ۹ ماه بود. جدای از هزینه مالی، این موضوع، یعنی این‌که اگر شما به‌دنبال انجام یک کار در حوزه بین‌الملل باشید، برای ارائه حداقل اطلاعات اولیه به‌نحو مناسب و براساس استانداردهای کاری جهانی، به چنین زمانی نیاز خواهید داشت به‌احتمال در روند اجرایی کار شما، اختلال جدی ایجاد خواهد کرد.

بنابراین، به‌کارگیری یک مجموعه واحد از استانداردهای بین‌المللی، نیاز به کارهای تطبیقی را برطرف می‌کند و مقایسه‌پذیری اطلاعات مالی را افزایش می‌دهد و به این ترتیب، امکان تخصیص اثربخش‌تر سرمایه بین کشورها را فراهم می‌آورد؛ چون سرمایه‌گذاران بدون صرف هزینه زیاد می‌توانند از اطلاعات مالی شرکت‌های مختلف در کشورهای دیگر استفاده کنند. همچنین گسترش و پذیرش استانداردهای بین‌المللی، هزینه‌های مقایسه را برای شرکت‌ها کاهش داده و ثبات رویه را در حسابرسی بهبود می‌بخشد. افزون بر این، **محک‌زنی (Benchmarking)** شرکت‌ها با یکدیگر هم معنی‌دارتر می‌شود، یعنی این کار برای حسابداران مدیریت و مدیران هم مفیدتر است.

بین‌المللی‌گزارشگری مالی هستیم و اگرچه تجربه به‌کارگیری استانداردهای ملی حسابداری را داریم - که تطبیق مناسبی نیز با استانداردهای بین‌المللی حسابداری دارد - ولی با این حال، تجربه ما در مورد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی خیلی کم است و پیامدهای کاربرد آنها هنوز به‌طور کامل روشن نیست. بنابراین، نظرهایی که مطرح می‌کنم بیشتر مبتنی بر مبانی مطالعه‌های تطبیقی موجود، مبانی نظری و برداشت‌های شخصی من است و به‌طور حتم عزیزانی هستند که به یاری تجربه و دانش بیشتر، نظرهای متفاوتی داشته باشند که به‌طور قطع محترم خواهند بود.

به هر حال، تغییر استانداردها - که در واقع تغییر مقررات حاکم بر نحوه عمل حسابداری در کشور است - مانند هر قانون و مقرراتی، به‌طور حتم منجر به تغییر زمانبندی یا ارقام جریان‌های نقدی ورودی و خروجی شرکت‌ها و اشخاص و در نتیجه، جابه‌جایی ثروت از یک بخش به بخش دیگر خواهد شد. از اینرو مانند هر تغییری، باید فرایند آن با مطالعه و دقت کافی دنبال شود، زیرا هم موجب ایجاد حساسیت می‌شود و هم به‌دلیل ساختار اقتصادی و قانونی کشور، بخش زیادی از پیامدهای تغییر، پس از انجام و به‌کارگیری، آشکار خواهد شد.

سازش

مزایای استفاده از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی چیست که تا این اندازه مورد توجه است؟

دکتر شکرخواه

ببینید، حضور در عرصه اقتصاد و بازار بین‌المللی، مستلزم ارائه اطلاعات در قالب یکسان و به زبان تجاری مشترک است به‌نحوی که منجر به برداشت به‌نسبت یکسانی از سوی استفاده‌کنندگان مختلف بشود. قالب یکسان، صورت‌های مالی اساسی و یادداشت‌های همراه آن بوده و ریشه و قواعد دستوری این زبان مشترک نیز، همین استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی هستند. بنابراین، استفاده از این استانداردها، از نظر من، به افزایش مقایسه‌پذیری گزارش‌های مالی شرکت‌ها و ارتقای کیفیت گزارشگری مالی آنها در سطح جهانی منجر می‌شود.

البته این کار، باعث صرفه‌جویی در زمان و هزینه استفاده‌کننده نیز خواهد شد. این‌ها، مزیت‌های مستقیم

به امید روزی که ما پیشنهاددهنده استاندارد یا رویکرد جدیدی در سطح حسابداری دنیا باشیم

خواهد بود. همه این‌ها به صرفه‌جویی در زمان و کاهش هزینه در بخش‌های مختلف جامعه منجر می‌شود.

سازش

بسیاری از کشورها به واسطه حضور در بازارهای جهانی، به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را مجاز دانسته و یا الزامی ساخته‌اند. گرچه توضیح شما در پرسش قبلی، استدلالی محکم برای به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی است، ولی این پرسش نیز مطرح است که با توجه به حضور نداشتن ایران در بورس‌های جهانی، آیا ضرورت جدی برای به‌کارگیری استانداردهای یادشده وجود دارد؟

دکتر شکرخواه

پرسش بسیار خوبی را مطرح کردید. این پرسش به نوع نگاه ما به آینده و انتظاراتمان از روابط اقتصادی و بازار کشورمان با اقتصاد و بازار جهانی بستگی دارد. مقام معظم رهبری «مد ظله‌العالی» این موضوع را به‌خوبی در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی تبیین کرده‌اند. اگر در این سیاست‌ها خوب دقت کنیم، می‌بینیم که روح حاکم بر اقتصاد مقاومتی را می‌توان در دو مؤلفه «درون‌زایی» و «برون‌گرایی» خلاصه کرد. مؤلفه برون‌گرایی، که به‌خوبی نیز تبیین شده است، به‌طور دقیق به نوع نگاه ما به روابط اقتصادی و نقش ما در بازارهای جهانی و بین‌المللی برمی‌گردد و نشان می‌دهد که اقتصاد ما در عین درون‌زا بودن - یعنی اتکا به مزیت‌ها و قوت‌های درونی برای افزایش تاب‌آوری و مقاوم‌سازی - باید در بازارهای جهانی نیز حضور فعالی داشته باشد و با متنوع‌سازی سبد درآمدهای کشور

در مورد ارتقای کیفیت گزارشگری مالی نیز باید گفت که یکسان‌سازی استانداردهای حسابداری در سراسر جهان سبب می‌شود حسابداران حرفه‌ای در تمام دنیا بر مجموعه واحدی از استانداردها متمرکز شوند و طبیعی است که این تمرکز جهانی بر یک موضوع، به‌طور حتم باعث می‌شود تا نقاط ضعف این استانداردها بهتر آشکار شود و از طریق برطرف کردن اشکالهای آن، شفافیت و کیفیت گزارشگری مالی در سطح دنیا ارتقا پیدا کند. جهت‌گیری روزافزون استانداردهای بین‌المللی به افشای بیشتر، باعث کاهش میزان اطلاعات محرمانه در اختیار افراد درون شرکت و در نتیجه محافظت بیشتر از حقوق سرمایه‌گذاران خواهد شد. به عبارت دیگر، این کار در نهایت سبب کاهش نبود تقارن اطلاعاتی می‌شود.

در خصوص صرفه‌جویی در زمان، هزینه و آموزش هم باید عرض کنم که استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی از طریق کاهش هزینه‌های تطبیق، هزینه دسترسی به اطلاعات بازارهای مختلف سرمایه را کاهش می‌دهد. حسابداران با فراگیری مجموعه واحدی از استانداردها، قادر به تهیه و تحلیل صورت‌های مالی شرکت‌های سراسر جهان خواهند بود. سرمایه‌گذاران نیز با درک استانداردها، اطلاعات را به‌درستی تفسیر و تصمیم‌های بهتری خواهند گرفت. این مسئله می‌تواند به کاهش هزینه سرمایه شرکت‌ها نیز منجر شود. کتاب‌های درسی و ابزار آموزشی حسابداری مالی هم می‌تواند به‌صورت مشترک (یا با حداقل تغییر) در سراسر دنیا مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به تشابه فرایند گزارشگری مالی، سیستم‌های اطلاعاتی نیز قابل استفاده مشترک در شرکت‌های مختلف دنیا

است. همه این موارد به معنی آن است که فایده استفاده از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی محدود به حضور در بورس‌های خارجی نیست و آثار داخلی بسیاری بر آن مترتب می‌باشد.

اجازه می‌خواهم همین جا یک گلایه هم از مجامع حرفه‌ای حسابداری کشور و همکاران خودم در دانشگاه و حرفه بکنم! چون بحث اقتصاد مقاومتی پیش آمد، اشاره کنم که در مدت زیادی که از ابلاغ این سیاست‌ها گذشته، و به‌رغم نقش زیادی که حسابداران می‌توانند در تحقق آن ایفا کنند، متأسفانه نشانه و حضوری از سوی حرفه برای تبیین گفتمان لازم و فعال‌سازی جامعه حسابداری کشور صورت نگرفته است. به هر حال انتظار می‌رود مجامع دانشگاهی و حرفه‌ای، جامعه حسابداران رسمی کشور، سازمان حسابرسی، انجمن حسابداری ایران و دیگر فعالان حرفه حسابداری، تحولات اقتصادی کشور را رصد و به‌صورتی فعالانه، نقش، اهمیت و جایگاه حرفه حسابداری را تبیین و مأموریت‌های لازم را برای حرفه تعریف و پیگیری کنند. به‌نظر می‌رسد، در این صورت است که حرفه حسابداری می‌تواند هم خود را توسعه دهد و هم به توسعه کشور کمک نماید.

سازش

به منافع به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به‌طور کامل اشاره کردید. ولی به‌طور قطع به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی هزینه‌های زیادی در بر خواهد داشت. آیا منافع استفاده و به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی از هزینه به‌کارگیری آنها یا به‌کار نگرفتن آنها، بیشتر است؟

دکتر شکرخواه

این پرسش، پرسش سختی است. می‌توان گفت که پاسخ به آن، در سطوح راهبردی تصمیم‌گیری قرار دارد و بنابراین نیازمند بررسی عمیق و دقیقی است. به هر حال، در مقدمه عرایض اشاره کردم که تغییر استانداردها، پیامدهای مختلف فرهنگی و اقتصادی از جمله جابه‌جایی ثروت به‌دنبال دارد. استانداردها و رویه‌های حسابداری می‌تواند موجب تغییر ارقام مختلف حساب‌های ترازنامه‌ای و سود و زیانی شود

و توسعه صادرات، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و ایفای نقش مؤثر در بازارهای جهانی و منطقه‌ای، وابستگی اقتصاد را به درآمدهای نفتی به حداقل برساند.

این موضوع، به‌ویژه بعد از اجرایی شدن توافقنامه موسوم به «برجام» در خصوص مباحث هسته‌ای و رفع تحریم‌های ظالمانه غرب علیه کشور، که در ادبیات امروز کشور به دوره «پساتحریم» معروف شده است، نمود زیادی خواهد داشت. به هر حال، به دلیل جذابیت و فرصت‌های مناسب اقتصاد کشور، انتظار می‌رود که با بهبود فضای بین‌المللی، تعامل‌های اقتصادی کشور به‌خصوص در بازار سرمایه (هم بازار اولیه و هم ثانویه) با دیگر کشورها افزایش چشم‌گیری پیدا کند، به تدریج و بار دیگر تعامل‌های بانکی بین‌المللی کشور و خطوط اعتباری بین‌المللی برای بانک‌های داخلی برقرار شود، شرکت‌های تأمین سرمایه بزرگ به حضور در سرمایه‌گذاری‌های ایران ترغیب شوند، و ... همه این موارد نشان می‌دهد که حرفه حسابداری چه مسئولیت سنگینی را در به ثمر نشاندن این انتظارات بر عهده دارد. تحقق این امور، مستلزم تهیه و ارائه اطلاعات فهم‌پذیر و مقایسه‌پذیر برای بازیگران بین‌المللی این عرصه خواهد بود و همان‌طور که در قبل نیز اشاره کردم این مهم جز با ارائه اطلاعات مالی بر مبنای دستور زبان مشترک یا همان استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، میسر نخواهد شد. به‌عنوان مثال، آیا شرکت‌های داخلی در صورت تمایل به استفاده از منابع مالی یا وام‌های بین‌المللی، نباید صورت‌های مالی مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی به طرف‌های خارجی ارائه دهند؟ آیا نباید گزارش‌های مالی قابل قبول بانکی ارائه دهند؟

خوب است به این نکته اشاره کنم که پژوهش‌های تجربی هم نشان می‌دهد که پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، تأثیر بالاهمیتی بر هزینه سرمایه شرکت‌ها داشته و از طریق گسترش دامنه افشای اطلاعات، باعث کاهش نبود تقارن اطلاعاتی و ریسک آن‌ها می‌شود و به‌طور طبیعی به افزایش کیفیت گزارشگری مالی و در نتیجه کاهش هزینه سرمایه شرکت‌ها منجر خواهد شد. همین‌طور، دیگر پژوهش‌های تجربی هم نشان می‌دهند که افزایش کیفیت گزارشگری مالی بر توسعه و ثبات بورس کشورها تأثیرگذار

سازش

آیا بستر و زیرساخت‌های لازم برای به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در ایران وجود دارد؟

دکتر شکرخواه

این پرسش را باید در چهار بخش پاسخ دهم، زیرا برای اجرای هر کاری به چهار زیرساخت اساسی نیاز داریم: نیروی انسانی، ساختار، فرایند و فرهنگ‌سازی.

در بخش اول، راجع به نیروی انسانی اگر بخواهم منصفانه قضاوت کنم، باید اذعان کنم که سطح دانش و آگاهی جامعه حرفه‌ای و دانشجویان حسابداری کشور، نسبت به بسیاری از کشورهای منطقه و حتی دنیا، مناسب‌تر و بهتر است. ظهور نیروهای جوان، فعال و تحصیل‌کرده در حرفه حسابداری، نوید روزهای بهتری را هم می‌دهد. سطح دانش و آموخته‌های این نیروهای جوان هم انصافاً خیلی بهتر از قبل است. به هر حال منابع لازم با سهولت بسیار بیشتری در اختیار افراد قرار دارد. تقریباً آخرین تحولها و تغییرها، با فاصله‌زمانی بسیار اندکی در اختیار جامعه فعال حسابداری کشور قرار می‌گیرد. برای مثال، شما با مقایسه ساده محتوای فعلی اخبار و اطلاعات مجله حسابرس با چند سال قبل، این تفاوت را به راحتی حس می‌کنید. این یک پتانسیل بسیار خوب و قوی است. اما، باید به این نکته هم اذعان کنیم که همین پتانسیل قوی، به دلیل نبود تجربه عملی، به‌ویژه در حوزه بین‌المللی، در مباحث کاربرست دانش در عمل دچار مشکل می‌شود. توزیع دانش در حوزه‌های مختلف حسابداری هم در جامعه حسابداری کشور

و به این طریق رقم سود خالص و یا مالیات‌های شرکت‌ها و در نتیجه جریان‌های نقدی آن‌ها را تغییر دهد. اگر تمامی فعالان اقتصادی کشور، داخلی باشند، این کار می‌تواند منجر به جابه‌جایی منابع مالی درون کشور شود ولی اگر فعالان خارجی و بین‌المللی هم داشته باشیم، این کار به جابه‌جایی درونی-بیرونی منجر می‌شود. این یک بُعد قضیه است.

بعد دیگر موضوع هم تأثیر این استانداردها، بر ارقام و شاخص‌های کلان اقتصادی است.

به هر حال، ارقام و شاخص‌های کلان اقتصادی، به‌نوعی تجمیع عملکرد بخش‌های واقعی اقتصادی است. آیا به‌کارگیری این استانداردها، منجر به بهبود آنها می‌شود؟ در حقیقت این موضوعها را از این منظر بررسی نکرده‌ام ولی به‌نظرم می‌رسد که اگر انتظارهای موجود، مبنی بر حضور سرمایه‌گذاران خارجی در کشور و توسعه صادرات و حضور شرکت‌های ایرانی در بازارهای بین‌المللی تحقق یابد، به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی، حتی در صورت وجود هزینه‌هایی از این دست، با منافع مستقیم و غیرمستقیم آن در کاهش هزینه سرمایه و تسهیل جذب سرمایه‌گذاری و تأمین مالی خارجی، و از همه مهم‌تر تحقق برون‌گرایی اقتصاد به‌عنوان یکی از دو مؤلفه مهم اقتصاد مقاومتی از منظر راهبردی، مفید خواهد بود. در درازمدت هم می‌تواند بستر مناسب‌تری را برای اعمال زبان گزارشگری تجاری توسعه‌پذیر (XBRL) و ارتقای شفافیت در بازار سرمایه کشور فراهم کند.

با مطالعه تطبیقی می‌توان

مدل بهینه استفاده از

استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را

در سطح ملی ترسیم و

اجرا کرد

یکنواخت نیست. در مجموع در این بخش، نقاط قوت بر نقاط ضعف ما برتری دارد.

در بخش دوم، راجع به ساختار هم من معتقدم که ساختارهای کشور از پتانسیل‌های لازم برای تحقق موضوع برخوردارند. سازمان حسابرسی از زیربنا و تجربه لازم در این بخش برخوردار است. جامعه حسابداران رسمی کشور هم توسعه مناسبی پیدا کرده است، البته این نهاد حرفه‌ای می‌تواند نقش‌آفرینی بسیار بیشتری داشته باشد. انجمن‌های حرفه‌ای و مجامع دانشگاهی هم به‌طور نسبی خوب هستند. البته در حوزه آموزش نیاز به یک کار جدی‌تر داریم. آشنایی ناکافی حسابداران و دانشجویان حسابداری با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و الزام‌های آن، به‌خصوص در دوره گذار اولیه، می‌تواند چالش‌زا باشد و مجامع دانشگاهی باید در اسرع وقت، منابع آموزشی و دروس و برنامه‌های مدونی را در سطح دانشگاه‌ها تدوین و اجرایی کنند.

ما در دانشگاه علامه طباطبائی، با راه‌اندازی رشته حسابداری مدیریت در مقطع کارشناسی ارشد و با پیش‌بینی حرکت به سمت استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲ واحد درسی را با همین عنوان در دروس این رشته قرار دادیم که به‌نظر من دیگر رشته‌های حسابداری نیز باید این کار صورت پذیرد و یا دستکم در دیگر دروس مرتبط، به این بخش هم توجه لازم صورت پذیرد.

در بخش سوم هم باید اشاره کنم که اگر ما برای انجام کاری، نیروی انسانی خوب و ساختار مناسبی فراهم کرده‌ولی فرایندهای کارآمدی برای اجرا تدوین نکرده باشیم، به‌طور قطع در انجام آن موفق نخواهیم بود. به عبارت دیگر، فرایند و مقررات حاکم بر اجرای کار، یک اصل و زیربنای مهم است. متأسفانه در حال حاضر، بستر مقرراتی لازم به‌ویژه در حوزه قوانین مالیاتی برای اجرای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در کشور وجود ندارد. برای مثال، می‌توان به مشکلات مالیاتی، به‌ویژه در زمینه کاربرد وسیع ارزش منصفانه در استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی اشاره کرد که منجر به شناسایی سودهای تحقق نیافته‌ای می‌شود که براساس قوانین فعلی مالیاتی کشور، مشمول مالیات می‌شود.

فقدان زیرساخت‌های مالیاتی لازم برای اجرای استاندارد مربوط به مالیات‌های انتقالی و تفکیک دفاتر مالی و مالیاتی از یکدیگر، نمونه دیگری از این مسائل است. از طرف دیگر، برای تعدادی از استانداردهای بین‌المللی هنوز در ایران استاندارد متناظری وجود ندارد و یکسری از استانداردها هم به‌طور متناسب و همگام با عرصه جهانی در کشور به‌روزرسانی نشده‌اند که باعث می‌شود در حال حاضر میان استانداردهای ملی و بین‌المللی مغایرت‌هایی وجود داشته باشد و این موضوع می‌تواند تطبیق اولیه و اجرای اولین بار استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در شرکت‌ها را با چالش مواجه کند، زیرا ممکن است آثار بااهمیتی بر وضعیت مالیاتی و سود هر سهم (EPS) آن‌ها داشته باشد.

در بخش چهارم، راجع به فرهنگ‌سازی هم به‌نظر من هنوز به اجماع لازم برای پیشبرد این موضوع نرسیده‌ایم. اگر همگرایی در اجرا به وجود نیاید و فرهنگ‌سازی مناسبی برای این کار صورت نپذیرد، حتماً موفق نمی‌شویم. به‌نظر من رسد هنوز هماهنگی کاملی بین تمامی نهادها و مراجع تصمیم‌گیر از جمله سازمان حسابرسی، سازمان بورس و اوراق بهادار و جامعه حسابداران رسمی کشور در جهت انطباق استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی با شرایط حاکم بر فضای اقتصادی، حقوقی و فرهنگی کشور ایجاد نشده و این هم یکی از مشکلات جدی در این رابطه است و باید با فرهنگ‌سازی، گفت‌وگو لازم برای تحقق موضوع را در سطح جامعه حسابداری و مالی کشور آغاز کنیم.

به هر حال، در یک جمع‌بندی خلاصه، می‌توانم بگویم که لازم‌الاجرا کردن استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، بدون بسترسازی و تنها با صدور بخشنامه و ترجمه استانداردها و بی‌توجهی به بسترها و زیرساخت‌های لازم، می‌تواند مشکلات فراوانی را برای حرفه اعم از دانشگاهیان، حسابداران، حسابرسان، مدیران، سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و ... ایجاد کند. ما در بخش‌هایی قوی و در بخش‌هایی ضعیف هستیم. در صورت تصمیم به اجرا، باید تلاش کنیم با همدلی و همکاری، هم‌افزایی بین نهادهای مختلف حرفه را افزایش و این کار را به بهترین نحو به سرانجام برسانیم.

سازش

یکی از ویژگی‌های استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی استفاده از ارزش‌های جاری در گزارشگری مالی است. با توجه به مشکلات تعیین ارزش‌های جاری (متعارف) در بازار ایران، آیا به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی احتمال دست‌کاری در صورت‌های مالی را افزایش نمی‌دهد؟

دکتر شکرخواه

یکی از مشخصه‌های اصلی و شاید مهم‌ترین وجه تمایز استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی با استانداردهای ملی، حجم درخور توجه استفاده از ارزش منصفانه است. اگر خوب به خاطر بیاورم در ۷ یا ۸ استاندارد از استانداردهای بین‌المللی، استفاده از ارزش‌های منصفانه الزامی شده است؛ از جمله می‌توان به ارائه سهم اقلیت، ثبت و گزارش ابزار مالی، ارزشیابی دارایی‌های ثابت، کاهش ارزش دارایی‌ها و برگشت آن، کاهش ارزش دارایی‌های نامشهود و برگشت آن و ارزشیابی اوراق مصون‌ساز اشاره کرد که استانداردهای مربوط، استفاده از ارزش‌های منصفانه را الزامی کرده است. اما در عمل، مسائل و چالش‌های بالقوه بسیاری در ارتباط با ارزش منصفانه وجود دارد که برای مثال می‌توان به سه مورد آن اشاره کرد:

اول این‌که، هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی، استفاده گسترده‌تر از ارزش منصفانه را در پیش گرفته، زیرا معتقد است که اطلاعات تهیه‌شده بر مبنای آن، برای سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان مربوط‌تر از اطلاعات مبتنی بر بهای تمام‌شده تاریخی است و چنین معیاری، وضعیت مالی فعلی واحد گزارشگر را بهتر منعکس می‌کند و ارزیابی عملکرد گذشته و چشم‌انداز آینده آن را تسهیل می‌کند. در واقع این دیدگاه، مربوط‌بودن را بر قابلیت اتکای اطلاعات صورت‌های مالی، ارجح می‌داند. محافظه‌کاری هم اولویت خود را از دست داده است و تقریباً مربوط‌بودن اطلاعات، نقش اصلی را در تدوین استانداردها ایفا می‌کند.

این موضوع قابل تأمل است، زیرا در کشورهای دارای بازارهای بورس ناکارا یا برخوردار از بازار ضعیف، مثل بازار بورس کشور ما، که حجم سهام شناور و حجم معاملات بسیار

پایین است، تلقی قیمت‌های بازار به‌عنوان ارزش منصفانه و اطلاعات مربوط جای تردید دارد. یافتن یا عملیاتی کردن دیگر گزینه‌ها به‌عنوان مبانی ارزش منصفانه نیز بسیار سخت و شاید غیرعملیاتی باشد. به‌علاوه این‌که، خیلی از دارایی‌ها بازار ساختاریافته ندارند یا در اصل بازار مشخصی ندارند. از طرفی، پژوهشهای حسابداری در کشور هم نشان می‌دهد که محافظه‌کاری با حساب‌آرایی برای مدیریت سود، رابطه‌ای معکوس دارد؛ یعنی محافظه‌کاری را به راحتی نمی‌توان در شرایط فعلی بازار رها کرده و آن را حذف نمود. بنابراین با اولویت باید به دنبال رفع این چالش‌های اساسی باشیم. توسعه بازارهای اولیه و ثانویه و افزایش نقش بازار سرمایه در تأمین مالی شرکت‌ها می‌تواند به تقویت و کارایی بیشتر بازار منجر شود و به تدریج اطلاعات درخور اتکاتری را در اختیار استفاده‌کنندگان قرار دهد.

دوم این‌که، میزان کارایی و وضعیت نقدینگی بازار در تعیین ارزش منصفانه مقوله مهمی است. کارا نبودن بازار، باعث می‌شود تا قیمت‌های جاری بازار-که مبنایی برای ارزش منصفانه تلقی می‌شود-از قابلیت اتکای کافی برخوردار نباشد. در چنین شرایطی، پایین بودن حجم معاملات و یا بالا بودن تفاوت قیمت‌های خرید و فروش می‌تواند ابهام‌های اساسی را در مورد ارزش منصفانه ایجاد کرده و اعتبار صورت‌های مالی مبتنی بر آن را مخدوش سازد.

سوم این‌که، اگر قیمت‌های جاری بازار در دسترس باشند، باز هم حسابداری مبتنی بر ارزش منصفانه، فرصت برنامه‌ریزی و زمان‌بندی فروش و کسب سود را از مدیران سلب می‌کند، زیرا آنان نمی‌توانند از طریق زمان‌بندی فروش دارایی‌ها بر سود و زیان تحقق‌نیافته در صورت‌های مالی اثر بگذارند.

لازم به ذکر است در ایران نیز استاندارد حسابداری شماره ۲۶ «فعالیت‌های کشاورزی» و تجدیدنظر در استاندارد حسابداری شماره ۱۵ «سرمایه‌گذارها» که متکی بر استفاده گسترده‌تر از ارزش‌های بازار بوده است، نیز نه به دلیل احتمال دست‌کاری صورت‌های مالی، بلکه بیشتر به دلیل فشار مالیاتی ناشی از شناسایی سودهای تحقق‌نیافته بر شرکت‌ها و نبود زیرساخت‌های مالیاتی مناسب، تقریباً نادیده انگاشته شده‌اند.

استانداردها به تفاهم برسند.

هم‌زمان، دانشگاه‌ها نیز باید برنامه درسی مدونی را برای آموزش این حوزه تنظیم و کار آموزش را شروع کنند. آموزش‌های ضمن خدمت هم برای شاغلان در حرفه از سوی انجمن‌های حرفه‌ای شروع شود. دولت و به‌ویژه وزارت امور اقتصادی و دارایی هم باید از یک طرف زیرساخت‌های قانونی مالیاتی لازم برای اجرا را فراهم کند و از طرف دیگر، با توسعه بازارهای متشکل مالی (سرمایه و پول) و کارآمدتر کردن بازارهای موجود، زمینه به‌کارگیری ارزش‌های منصفانه قابل اتکاتری را ایجاد کنند. اگر همه دست به دست هم دهند این چالش‌ها به آسانی برطرف خواهد شد.

ساجد

در مطالب قبلی به الزام‌های به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای کشور ما اشاره کردید. با وجود این به‌طور مشخص این فرایند با چه الزامهایی برای کشور ما همراه است؟

دکتر شکرخواه

گرچه در پرسش قبلی شما به‌طور تقریبی به بخشی از موارد و راهکارها اشاره کردم، ولی در اینجا خوب است به شیوه اجرا و نحوه به‌کارگیری استانداردها نیز اشاره کنم. به‌طور خلاصه می‌توان این الزامها را برشمرد:

- تصمیم‌گیری استراتژیک (راهبردی) در خصوص به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در کشور و شیوه آن با توجه به تجربه‌های دیگر کشورها- یعنی انتخاب مدل پذیرش یکباره و یا پذیرش با تأخیر،
- بسترسازی مناسب فرهنگی و سیاسی در خصوص مزایای به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی،
- آموزش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در سطح دانشگاه‌ها و انتشار کتابهای آموزشی مناسب،
- اصلاح قوانین مالیاتی در کوتاه‌مدت مانند تبیین چگونگی مواجهه مالیاتی با سودهای تحقق نیافته ناشی از کاربرد وسیع ارزش‌های منصفانه و اصلاح زیرساخت‌های مالیاتی در درازمدت برای اجرای موضوع مالیات‌های انتقالی، و
- توسعه کمی و کیفی بازارهای مالی به‌منظور ایجاد مراجع کارای ارائه و پایش ارزش‌های منصفانه.

ساجد

آیا به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی با توجه به وضعیت قانونی و اقتصادی، از انعطاف‌پذیری حسابداری نمی‌کاهد؟ چه مشکلات و دشواریهایی ممکن است پیش رو باشد و چه راهکارهایی برای پوشش مشکلات ممکن است وجود داشته باشد؟

دکتر شکرخواه

در خصوص بخش اول پرسش، یعنی انعطاف‌پذیری، باید عرض کنم که در اصل هرچه از سطح مبانی نظری به سطوح رویه‌ای و استاندارد پایین می‌آییم، طبیعی است که انعطاف کمتر می‌شود. چون در حال تعیین خط‌کش و قانون برای کارهایمان هستیم، این موضوع در تمامی استانداردها وجود دارد، اما به هر حال تشخیص شرایط و محتوای رویدادها برای به‌کارگیری رویه‌های مجاز در استانداردها، بر عهده حسابداران است و بنابراین انعطاف قابل قبولی در آن‌ها دیده می‌شود. اما این که استانداردهای بین‌المللی محدودیت بیشتری در خصوص رویه‌های مجاز ایجاد کرده باشد، من چنین برداشتی برایم ایجاد نشده است. البته باز هم باید یادآوری کنم که می‌بایست در شرایط بازار و وجود قیمت‌های درخور اتکا برای به‌کارگیری استانداردها قرار بگیریم تا بتوانیم قضاوت کنیم که آیا چنین رویه‌هایی محدودیت است یا در واقع ضروری بوده‌اند.

در خصوص بخش دوم پرسش شما، یعنی مشکلات و چالش‌های پیش رو، نیز پژوهشهایی انجام شده و مواردی را عنوان کرده‌اند. من فکر می‌کنم که نبود هماهنگی بین مراجع مختلف درگیر در موضوع، مباحث فرهنگی، نداشتن برنامه آموزشی مدون در دانشگاه‌ها، فقدان زیرساخت قانونی به‌ویژه در بخش مالیاتی، و ضعف بازار سرمایه کشور به‌عنوان یکی از مبانی اصلی تعیین ارزش‌های منصفانه، چالش‌های اولویت‌دار این حوزه هستند. برای رفع آنها هم باید ابتدا یک همدلی و هماهنگی کامل بین مراجع مختلف ایجاد و اقدامهای فرهنگی برای آشنایی تمامی ذینفعان موضوع اعم از مدیران و سهامداران شرکت‌ها، حسابداران، جامعه حسابداری کشور، مراجع استانداردگذار و مالیاتی و...، به‌همراه مقایسه مزایا و منافع کار انجام پذیرد تا همه در مورد به‌کارگیری این

پذیرش تصویری وارد حسابداری خود کرده‌اند؛ یعنی اصلاحات و یا الحاقهایی را با توجه به شرایط خاص صنایع و کشور خود لحاظ کرده تا از طیف بیشتری از ذینفعان حمایت کنند.

ما هم باید با بررسی و مطالعه، یکی از این شیوه‌ها را اتخاذ کنیم. طبیعی است که مناسبات بیشتر با مراجع بین‌المللی و دیگر کشورها، زمینه‌های تصمیم‌گیری بهتر را فراهم می‌کند. از طرفی این‌گونه روابط می‌تواند در میان‌مدت و درازمدت به ارتقای جایگاه حرفه‌ای حسابداری کشور و نقش آفرینی بیشتر در فعالیتهای بین‌المللی منجر شود.

به امید روزی که ما پیشنهاددهنده استاندارد یا رویکرد جدیدی در سطح حسابداری دنیا باشیم. این هدف با توجه به پتانسیل نیروهای جوان، تحصیل کرده و مشتاق کشور، هدف دور از ذهنی نیست، به‌ویژه در حوزه مباحث اسلامی که هم در سطح نظری و هم در سطوح عملیاتی، کمتر به آن پرداخته شده است. به امید آن روز، انشاالله...

ساجد

از وقت درخور توجهی که برای این گفتگو صرف کردید بسیار متشکریم. مطالب این گفتگو، رهنمودهای پرارزشی را برای کسانی فراهم می‌کند که دغدغه به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را دارند؛ حتی برای کسانی که دیدگاهشان با دیدگاه شما همسو نباشد. ما هم مثل شما، آرزو می‌کنیم که در آینده نزدیک حضوری مؤثر در تحول‌های حسابداری جهان داشته باشیم.



ساجد

مناسبات با مراجع بین‌المللی و دیگر کشورها چه اهمیت و نقشی در این فرایند دارد؟ مناسبات مراجع حسابداری کشور ما با مراجع دیگر کشورها و مراجع بین‌المللی حسابداری چگونه خواهد بود؟

دکتر شکرخواه

استفاده از تجربه‌های کشورهای جهان در حوزه استفاده از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی اهمیت زیادی دارد. با مطالعه تطبیقی شرایط فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، آموزشی و قانونی کشور با دیگر کشورها و مشاهده پیامدهای ملموس به‌کارگیری استانداردها، می‌توان مدل بهینه استفاده از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی را در سطح ملی ترسیم و اجرا کرد. به‌طور کلی، کشورهایی که از استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی استفاده کرده‌اند به دو دسته تقسیم می‌شوند:

- کشورهایی که پذیرش یک‌باره را در دستور کار خود قرار داده‌اند (مانند کشور کویت).
- کشورهایی که پذیرش با تأخیر را در دستور کار خود قرار داده‌اند. این کشورها خود به دو دسته تقسیم می‌شوند:
 - ۱- کشورهایی مانند چین، که با رویکرد هماهنگ‌سازی به استانداردهای بین‌المللی وارد شده‌اند. این کشورها در کوتاه‌مدت استانداردهای بین‌المللی را جایگزین استانداردهای ملی خود نمی‌کنند، بلکه تلاش می‌کنند در درازمدت استانداردهای ملی و بین‌المللی را هماهنگ نمایند.
 - ۲- کشورهای عضو اتحادیه اروپا، استانداردهای بین‌المللی را با

سطح دانش و آگاهی

جامعه حرفه‌ای و دانشجویان حسابداری کشور

نسبت به

بسیاری از کشورهای منطقه و

حتی دنیا

مناسب‌تر و بهتر است